

مجموعه های تاریخی در کرمان *

مجموعه گنجعلی خان

- ۲ -

قنات معروف شهر آباد که خود خان ایجاد کرده بود - در کنار این حمام ظاهر میشده و کانال آن حدود هفت فرسنگ (۴۲ کیلومتر) طول داشته و «مادرچاه» آن درحوالی لنگرشیخ عبدالسلام قرار گرفته بوده است. (۱) این قنات از حوضچه های حمام میگذشتا و خزانه ها را پر آب مینموده سپس باغهای جانب شرق و غرب حمام و دریاچه پشت حمام پر میکرده و علاوه برپرساختن آب انبار، بقیه آن وقف عامه بوده و «عجزه و مساکین و ارباب حاجات و اصحاب حرفه و سایر متوطنین اهل شهر کرمان صرف حمامات و باغچه ها که در محلات و خانه های خود داشته باشند مینموده است.» (۲)

حمام به دو قسمت اصلی رخت کن و گرمخانه تقسیم میشود و راهرو آن از بازار با یکی دوپیچ ملایم به رخت کن میرسد وطوری ساخته شده که ابتدای ورود تاریک و تنگنایی است و به همین دلیل به محض ورود به رخت کن فضای آن بسیار بهجت افزا و شادی بخش جلوه میکند. علاوه بر آن از جهت تعادل حرارت و نگاهداشتن میزان معین گرما بر اصول فنی خاصی بنا شده که مهارت معمار را تسجیل میکند. خلوت ها در آخر گرمخانه و خزینه در منتهای آن قسمت قرار گرفته.

بر رویهم در زمینی به طول ۴۸ و عرض ۲۴ متر ساخته شده و حدود ۱۲۰۰ متر مربع زیر بنا دارد. برای اینکه آب به خزینه ها و حوض های آن سوار شود و فواره ها جهش یابند حدود چهار متر باینتر از سطح بازار ساخته شده و نور از سقف آن طبق معمول بوسیله شیشه های گرد کوچک می تافته است.

آب انبار که ظاهراً در زمان خود گنجعلیخان شروع به ساختمان آن شده و به همت پسرش علیمردان خان پایان یافته (حکومت او در زمان پدرش بر کرمان تا ۱۰۳۴ هـ = ۱۶۲۴ م بر قندهار تا مرگ شاه عباس ۱۰۳۹ هـ = ۱۶۳۰ م ادامه داشته) این آب انبار یکی از مهمترین آب انبار های کرمان محسوب میشود و چهل پله میخورد تا به شیر آب میرسد. روایت است که این آب انبار برای شش ماه آب شهر کرمان را تأمین مینموده (البته اغراق آمیز است، زیرا جمعیت کرمان هیچوقت از ۵۰ هزار تن کمتر نشده است جز بعد از قتل و غارت آغا محمد خان قاجار).

۱- آثار الرضویه - چاپ سنگی - س ۱۲۴ - ۲- رونوشت و قفنامه گنجعلیخان، نسخه خطی، در متن و قفنامه نوشته شده که چون این قنات وسط شهر مظهر میشود آنرا «شهر آباد» نامیده است.

کتیبه سنگ مرمر آن به خط نستعلیق علیرضای عباسی (۱) و مورخ به سال ۱۰۲۹ هـ = ۱۶۱۹ م است و این مصراع ماده تاریخ آنست :
 دلب جهانی ازین بر که میشود سیراب

برای تحکیم و زیرسازی آب انبار و همچنین برای خنک ماندن آب، زیر آنرا با قشری از سرب پوشانده بوده‌اند و روایت است که « در وقتی که آغا محمد خان قاجار گواشیر را محاصره کرد - لطفعلیخان زند که در آنجا محاصره بود، به جهت فقدان سرب، سه هزار من که سی خروار باشد (۹ تن) سرب از ته آب انبار در آورده مصرف گلوله نمود. » (۲) این آب انبار تا همین اواخر قبل از لوله کشی شهر مورد استفاده بوده. حوض این آب انبار مساحتی به طول ۱۸ و عرض ۱۱ متر زیر بنا را دربر گرفته و با ارتفاع حدود ۱۰ متر تقریباً یک میلیون و هشتصد هزار لیتر گنجایش دارد.

علاوه بر اینها یک یخدان (یخچال) بزرگ نیز در قسمت شرقی شهر ساخته شده و جزء همین مجموعه خان بشمار میرفته است. (۳)

خان آثار دیگری هم دارد که یکی کاروانسرای قریه زین الدین در بین راه یزد و کرمان است، هم چنین آب انبار بیابانی معروف به « حوض خان » که در پنج فرسنگی نایبند طبس و هفت فرسنگی چهل پایه کویر خراسان و کرمان ساخته شده و به آب باران پر میشود (۴). یک برج هفت طبقه در اصفهان هم منسوب به او نام برده شده است. (۵)
 چنانکه گفتیم آثار گنجعلیخان منحصر به همین مجموعه نیست: باغ « بیرم آباد» در بین راه سر آسیاب با ساختمانی زیبا از اواباقی مانده - باغ دیگری بنام عباس آباد بادر یاچه ای

۱- بروایت طرائق الحقایق ۲- تاریخ کرمان - ص ۲۸۰

۳- یخچال عبارت از ساختمان بزرگی است دایره مانند در داخل زمین ساخته شده و سپس حلقه حلقه حلزونی شکل بر آن سقف زده میشود که آخرین نقطه گاهی ۱۵ متر کمتر از سطح زمین ارتفاع دارد. در کنار این یخدان دیواری بلند و طولانی ساخته میشود که معمولاً از تابش آفتاب عصر بر حوضچه کم عمق ولی پر طول و عرض که در کنار آنست جلوگیری میکند. در زمستان که هوای کرمان شبها اغلب چندین درجه زیر صفر است آب را بدین حوضچه مینهند، شب هنگام یخ خواهد زد. یکی دوزخ دیگر بر سطح همین یخها، عصر، آب میندند تا شب یخ یزند، آنگاه یخها را با تبر شکسته قطعات بزرگ آنرا در قسمت عمیق دایره مانند یخدان می اندازند و در کوچک آنرا گل اندود میکنند. این یخ همچنان صحیح و سالم میماند تا تابستان که هوای شهر در روز گاهی به ۴۰ سانتیگراد بالاتر از صفر خواهد رسید آنرا گشوده، تکه تکه قطعات یخ را شکسته به بازار میبرند و به فروش میرسانند. محل این یخچال در آثار الرضویه بین یخدان شهر یاری و عبدالرشید خانی ذکر شده است (ص ۱۲۴)، و در متن وقفنامه « حضرت سیمای مجدالرشید (۹۶۱) » ۴- جغرافیای کرمان - وزیري . ص ۱۸۸ . ۵- رستم التواریخ - گنجعلیخانی - ص ۱۶۹ . مؤلف رستم التواریخ از احفاد همین گنجعلیخان بوده است.

بزرگه در نزدیکی همین باغ بوده که بکلی بایر شده است ، این باغ از جویباری و دریاچه‌ای که بنام گنج‌آباد معروف بوده مشروب میشده . باغ دیگری از در قندهار نام برده اند . و بقول مرعشی علمیردان خان هم « باغ نظر » را در قندهار ساخته بود . (۱)

قسمتی از این آثار به ضمیمه « مبارک آباد نوق » و سلطان آباد مؤیدی و دو باغ در محله قطب آباد ، و باغ ناصریه - که ظاهراً در زمان قاجار تجدید بنا و بدین نام موسوم شده - و کاروانسرای گلشن و مزرعه باغ خان وقف بر آستان حضرت رضا بوده - و قفنامه اصلی آن گویا بخط میر عماد و با مهر شیخ بهایی مههور بوده است و تا اوایل عصر پهلوی وجود داشته .

تاریخ وقف نامه در آثار الرضویه سال ۱۰۰۸ هـ (= ۱۵۹۹ م) یاد شده ولی در رو نویسی از وقف نامه - که شاید وقف نامه دوم باشد - تاریخ رجب ۱۰۲۴ هـ (= ژوئیه ۱۶۱۵ م) دیده میشود .

در قفنامه یاد شده که این املاک را قسمتی به مبیعه شرعیه خریداری نموده و بعضی به مال و رجال خود سایحه و آبان و معمور گردانیده ، و چنان مینماید که قبلاً میدان کوچکی در همین ناحیه بوده و خان « عمارات و ابنیه و دکاکین را منهدم و هموار ساخته و محل آنرا حمام و بازاری بنا نموده .

مصرف عایدات موقوفه : پس از نفقه قنوات و مخارج بام اندود دروب بازار و حمام

۱- در تاریخ ما چندین شهر « باغ نظر » داشته‌اند ، من وقتی در لغت نامه (حرف ب) کار میکردم در تعریف باغ نظر شخصاً اظهار نظر کرده‌ام که این ترکیب باید به صورت صفت برای باغهایی بکار برده شود که جنبه عمومی داشته‌اند و در واقع « نظر گاه » و « منظر » و « تماشا گاه » مردم بوده است ، در کرمان يك باغ نظر هست که مرحوم وزیري گوید : « وجه تسمیه اینکه نظر علی خان زند در زمان سلطنت کریم خان زند باغی در آنجا ساخت و منزل نمود . (جغرافیا ص ۳۶) . اگر این نکته در باب باغ کرمان صادق باشد ، در باب « باغ نظر » مشهد ، و باغ نظر کازرون (که حاج علی خان در حدود ۱۱۸۰ هـ . ساخته و درختهای نارنج آن معروف بوده است ، فارسانه گفتار دوم ص ۲۴۹) ، نمیتواند مصداق یابد (زیرا نظر علی خان نبود که آنها را بسازد) هم چنین باغ نظر اصفهان که دریاچه‌ای کلان داشته (آندراج) و باغ نظر وکیل شیراز (فارسانه ص ۹۲۰) که فعلاً موزه فارس است و قبر مرحوم وکیل بوده و شانزده هزار گز مساحت داشته . شاید بتوان حدس زد که این کلمه در اصل « نظر گاه » بوده و بعداً تخفیف پیدا کرده ، چنانکه در هرات « باغ نظر گاه » معروف بوده (روضات الجنات ص ۳۴۷) . اگر این فرض ها را قبول کنیم ، باید به يك باغ نظر دیگر شیراز هم ایمان بیاوریم که در عصر حافظ ، گردشگاه او بوده ، و روزی در هنگام گردش میان گلهای چنین باغی بوده که حافظ فرموده (با توجه به ابهامات دیگر آن) :

جان فدای دهنش باد که در باغ نظر

چمن آرای جهان خوشتر ازین غنچه نیست

و عمارت یخدان مزبور و حق التوجیه « مبلغ پنج تومان تبریزی به مشهد مقدس برده به کور و شل و جمعی بیماران که پناه به آن آستان ملک پاسبان برده به امید شفا استظلال به سایه بارگاه عرش اشتباه جسته باشند واصل و عاید گردانده اگر چیزی باقیماند به مصرف فقرای کرمان و زوار مشاهد متبرکه بدهد .»

دزپایان رونوشت و قفنامه این عبارت که شاید در اصل به خط مؤلف بوده است آمده: «... بنده در گاه گنجعلی زیك رقبات و املاك مسطوره فوق را که مفصلاً درین صحیفه مقرر و مسطور است وقف صحیح شرعی نمودم بر آستانه مقدسه منوره مطهره، و تنبیه متولی و شرایط معتبره در تولیت و صرف حاصل رقبات موقوفه بر مصارف شرعیه مشروعاً و مفصلاً تحریر و مسطور گشته، و قفا صحیحاً شرعیاً، « محل مهر نواب واقف »

در آثار الرضویه موارد مصرف مفصلتر یاد شده و از آن جمله است:

مواجب و قسمت ۲۰ تومان (مواجب ۱۲ تومان و قسمت ۸ تومان) ، حفاظ آستانه مقدسه وجه تبریزی ۵ تومان - مؤمنان آستانه مقدسه سالیانه ایضاً ۳ تومان - موم به اطلاع قضاة اسلام به ارض اقدس به جهت روشنائی حرم محترم تقدیم شود سالیانه ۵ تومان ، نمد کورک جانمازی به اطلاع اهالی و اعیان کرمان به جهت آستانه مقدسه فرستاده شود سالیانه ۳ تومان » (۱)

گنجعلی خان به حضرت رضا اعتقاد فراوان داشت و بهمین سبب وقتی در سال ۱۰۳۴ = ۱۶۲۴ م در قندهار شب هنگام خواب از پشت بام درغلنید و به زمین افتاد و در گذشت پسرش نش او را به مسجد رضوی نقل کرده و در جوار حضرت رضا دفن نمود . (۲)

يك روايت افسانه‌ای در مورد بناهای گنجعلی خان هم داریم که خلاصه اشاره میشود . گویند بعد از خریداری بناها و خراب کردن آنها و تجدید ساختمان ، گزوه‌ی از کرمانیان خصوصاً زرتشتیان - به شاه عباس شکایت بردند که در مورد خرید املاك و همچنین بنای ساختمانها به بیگاری به آنها اجحاف شده است . شاه عباس که سفرهای پنهانی در لباس ناشناس بسیار به او نسبت می‌دهند این بار هم ناشناس بایک غلام سوار بر مرکبی تند رو شد (۳) و به کرمان حرکت کرد .

وزیری در باب تاریخ این مسافرت می‌نویسد «در سنه ۱۰۱۵ هـ [= ۱۶۰۶ م] که گنجعلیخان زیك والی کرمان بود از ابنیه عالی او به عرض شاه رسید و نیز از تعدیاتش خاطر نشان کرده بودند ... شاه به جهت تفتیش، خود ، با يك نفر محرم برد و قاطر سوار شده با لباس مبدل

۱- آثار الرضویه - ص ۲۵۷ - ۲- دوازه مقاله، نشریه مؤسسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی . ص ۲۰۷ - ۳- بعضی گفته‌اند «تاتومی سوار میشده که هنگام حرکت دست و پای او از هم تشخیص داده نمیشد و یال او تا زمین کشیده می‌شد، بعضی حدس زده‌اند که او بر «گوراسب» مخصوص خود سوار بود . (شاردن ازین گوراسب نام می‌برد ، به نام غزال و گوید یال و دمش مانند ابریشم ظریف بود .

از اصفهان يك صد و سی فرسخ راه را به پنج شبانروز پیموده بگواشیر آمد ، (۱).
 این تاریخ نمی‌تواند صحیح باشد به دلیل اینکه اصولاً شاه عباس در این سالها تماماً در آذربایجان شخصاً گرفتار جنگهای بی‌شمار بود ، و از بهار ۱۰۱۲ - ۱۶۰۳ م که از طریق کاشان و قزوین به تبریز رفت به ترتیب در شهرهای مرند و نخجوان و ایروان و در ۱۰۱۳ هـ = ۱۶۰۴ م در شورگل (واقع در روسیه) و قارس بود و جالبتر آنکه در این جنگها گنجلی خان نیز با او بود و در همین سال گنجعلیخان در مراغه قشلاق گرفته بود (۲)
 شاه عباس در ۱۰۱۴ هـ = ۱۶۰۵ م در اردبیل و خوی و چالدران و ماکو و سلماس و مرند بصری برد و سال ۱۰۱۵ هـ = ۱۶۰۶ م را نیز تماماً در تفلیس و ایروان وارد و پادوشماخی گذراند و جالب آنکه آغاز تحویل حوت ۱۰۱۵ هـ = مارس ۱۶۰۷ م (فروردین ماه) در حوالی گنجه آمده قریب به مزار شیخ نظامی گنجوی صاحب خمسه مخیم عساکر نصرت مآثر گردید...
 و آغاز سال فرخنده فال یکهزار و پانزده که سال بیستم جلوس شاه عباس بود عید نوروز فیروز در ملک قراباغ به ترتیب زیور و زیب وقوع یافت و در حوالی مزار شیخ مذکور لوازم و شرایط جشن و سور به ظهور آمد ، (۳)

لشکر شاه عباس در این سال تا باب‌الابواب و باکو هم رسید و شخص شاه در حمل و نوروز ۱۰۱۶ هـ = مارس ۱۶۰۸ م به محاصره شماخی اشتغال داشت و گنجلی خان نیز با او بود (۴) و در همین سال به تبریز و بالاخره اصفهان بازگشت و کلیه اموال خود را وقف کرد. بنا بر این مسافرت مخصوص شاه به کرمان یا باید ازین سال به بعد باشد - که تاحدی بعید می‌نماید - یا اینکه اصولاً در سالهای قبل صورت گرفته یعنی در اوایل کار گنجلی خان و شروع ساختمانها بوده - و این احتمال با موضوع شکایت و خراب کردن خانه‌های مردم - بیشتر توافق دارد، و میتوان آنرا در سالهای ۱۰۰۸ هـ = ۱۵۹۹ م و ۱۰۱۰ هـ = ۱۶۰۱ م که شاه بیشتر در اصفهان بوده تخمین زد .

تعداد زرتشتیان آن زمان را تاورنیه حدود ۱۰ هزار نفر نوشته که تعداد قابل اعتنائی بنظر می‌رسد و گویا قرار بوده در « اورمزدی ماه » قتل عام زرتشتیان توسط افراتیون مذهبی صورت گیرد . شاه عباس پس از بازدید پنهانی از بناهای خان در کرمان، متوجه شد که شکایات اساس درستی نداشته است ، همچنان ناشناس بازگشت و دستور داد که دفع ظلم از زردشتیان بشود . به همین سبب زردشتیان از آن روزگار در این روز يك نوع آش حلوايي

۱- جغرافیای وزیری - ص ۶۴ روایات دیگر گوید که شاه ابتدا در کاروانسرا بعد در خانه آقا محمد تقی نام کرمانی مدتی بیتوته کرد و از مردم وقایع را پرس جو نمود ، و معلوم شد که چند کارگر زردشتی ، پیشکار حاکم را کشته ولای دیوار گذاشته اند و احتمال داشته قیامی علیه زرتشتیان بشود ، شاه دستورات رفع ظلم و جلوگیری از شورش را در نامه خاصی به حاکم نوشت .

۲- روضة الصفا - ج ۸ ص ۳۷۹ ۳- ایضاً روضة الصفا : در تحویل حمل و نوروز سال هزار و شانزده به محاصره شماخی اشتغال افتاده بود . ۴- و این نیز بر آثار خیر دیگر شاه عباس مثل کاروانسرای شاه عباسی ، راه شاه عباسی و خیابان شاه عباسی و بندر عباسی

میدهند که به «خیرات شاه عباسی» معروف است .

افسانه‌ایست که شاه، شبی در بین راه در باغین - چهار فرسخی کرمان - بیهوشه کرد و خروس پلویی در خانه شیخ حسین باغینی خورد و در آنجا نامه‌ای خطاب به خان حاکم کرمان نوشت (۱) و کاغذ را به صاحب خانه داد که فردا به شهر برساند. وقتی نامه به خان رسید بلافاصله براه افتاد که شاید خود را به شاه برساند. در نزدیکی‌های یزد حدود «کرمونشو» فعلی، شاه را دید که میخ طویله مرگب را به زمین کوفته و خود در سایه اسب دراز کشیده، پس از ادای احترامات از شاه خواست که دوباره بکرمان بازگردد و رسماً مهمان حاکم باشد اما شاه عذر خواست و اقدامات گنجملی خان را تأیید کرد و از خواست که مخارج پذیرایی را صرف ساختن کاروانسرای نماید که مسافران خسته‌ای مثل شاه مجبور نباشند

۱- از نمونه‌های جالب «پنهان گردی»، و کنجکاویهای شاه عباس یکی همین سفر او به کرمان است، که در واقع رعب و وحشت حکام را صد چندان می‌ساخت و چنان می‌نمود که همیشه شاه شخصاً ناظر رفتار و کردار آنان است .

آقای فلسفی در جلد دوم شاه عباس خود فصلی مخصوص «شیکر دیهای شاه عباس» دارد. خودتان می‌توانید تصور کنید که گنجملیخان وقتی خبر آمدن و رفتن شاه را شنیده چقدر متحیر و مشوش و مرتعش گردیده .

در مورد فوت گنجملیخان همه تواریخ نوشته‌اند که در پشت بام خوابیده بود و در غلطی و فرو افتاد. وزیری اشاره میکند که به جهت ادرار برخاسته افتاد، من اگر از نقض اصول تاریخ نگاری وحشت نداشتم، می‌گفتم: گنجملی خان که به راه رفتن در خواب مبتلا نبوده چه اگر چنین بود بی احتیاطی نمی‌کرد و پشت بام نمی‌خوابید. علت این حرکت عجیب او در خواب، که منجر به سقوط از بام شده چه می‌تواند باشد؟ باز هم می‌ترسم، و گرنه می‌گفتم شاید، یک بار دیگر شاه عباس را در خواب دیده که برای بازرسی پنهانی به قندهار آمده، آنوقت از ترس از خواب پریده و براه افتاد و از پشت بام سقوط کرده! بنظر شما آیا بیهوش است؟

←
و سکه عباسی و گل لاله عباسی اضافه می‌شود.

نکته‌ای که در اینجا لازم به یادآوری است مسأله حمایت زردشتیان از محمود افغان در پایان کار صفویه است که توجه آن مربوط به ظلمهای زمان شاه سلیمان نسبت به زردشتیان بود، علاوه بر آن، فتحملی خان مأمور شاه سلطان حسین به روایات تواریخ بیش از افغانان به کرمانیان ظلم کرد، و اصولاً کرمانیان و زردشتیان حرکت محمود را یک حرکت خارجی و هجوم غیر تلقی نمی‌کردند چه قندهار بخشی از ایران بود و این حمایت با حمایت از لطفملی خان زند تفاوتی نداشت، منتهی محمود رفتارش بعد ها از صورت یک ایرانی خارج شد، علاوه بر اینها، حقیقت آنست که مردم کرمان میدیدند که میتوانند با محمود افغان شکایت خود را به فارسی در میان گذارند و حال آنکه با اطرافیان شاه سلطان حسین ناچار بودند به ترکی بیان سخن کنند، این مطلب نکته‌ای است که در باب آن باید به تفصیل جای دیگر صحبت کرد .

در سایه اسب خودشان استراحت کنند . (و خان چنین کرد ، کاروانسرای زین‌الدین و کاروانسرای کرمونشو را ساخت) .

شاه در نامه خود توصیه کرده بود که سه دانگ ازخالصه قریه باغین را به شیخ حسین باغینی بدهند که خروس پلویی به شاه داده بود (۱) ضمناً به خان نوشته بود :

« . . . امروز حکومت قندهار و هرات نیز به قلمرو تو اضافه میشود ، تو بناهای خود از مسجد و میدان و حمام و آب انبار ، همه را به آن صورت که شروع کرده‌ای تمام کن و بدان که شکایات و قریادهای مردم تمام می‌شود ، اما عمارات و آثار خیر باقی خواهد ماند .

پایان .

۱- در رساله‌ای که در اختیار آقای احمد سالور بوده نوشته شده : « مظفرالدین‌شاه قاجار يك وقت خواست تمام قریه باغین را به تصرف خان بابا خان - برادر امیرالامرای کرمانی - بدهد . ولی چون دستخط شاه عباس را در خانوادهٔ افتاد شیخ حسین دید ، ازین کار چشم پوشید » . چنان می‌نماید که این فرمان تا این اواخر وجود داشته است .

در باب گنجملی خان می‌توان به این منابع نیز مراجعه کرد : زندگانی شاه عباس اول آقای فلسفی ، ج ۲ ص ۳۷۹ ، تاریخ کرمان - وزیري ؛ جغرافیای کرمان - وزیري ؛ آسیای هفت سنگ ، ص ۱۳۶ ببعد . راهنمای آثار تاریخی کرمان ص ۷۷ ، نشریه دانشکده ادبیات اصفهان ، شماره اول سال اول ؛ دوازده مقاله ، مؤسسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی ص ۱۸۵ تا ۲۳۰ ، و رساله‌ای که تحت عنوان گنجملی خان قرار است توسط وزارت فرهنگ و هنر نشر شود .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژمان بختیاری

خوان یغمانی

کسی رتبتی چون تو والا ندارد	گرامی حبیبیا ، بلند آستانا
مسلمان نکوم ، مسیحا ندارد	چنان روح آرام و وجدان صافی
سرباغ و سودای صحرا ندارد	کسی کو گل از شاخ فضل تو چیند
بدیل تو یغما نه ، دنیا ندارد	فریدا ، تو از نسل یغمائی! اما
که نامی بجز «خوان یغما» ندارد	از آن دفتر فضل و حکمت چه گویم
که این سفره آئین ویاسا ندارد	جهانی برد بهره زان خوان یغما
بدا کاروانی که یغما ندارد	ز یغما برد کاروان سخن بر

از استاد بزرگوار چندان ممنون و شرمنده‌ام که زبانه از ادای سپاسگزاری قاصرست .

حبیب یغمائی